

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های طریقت چشتیه بر اساس متن شمایل‌الاعتقا و رذایل‌الاشقیا

زهرا رحیمی^۱، محمد رضایی^۲، قدرت الله خیاطیان^۳

چکیده

موضوع پژوهش پیش رو، نقد و بررسی مؤلفه‌های طریقت چشتیه بر اساس متن شمایل‌الاعتقا و رذایل‌الاشقیا اثر کاشانی است. خواجه رکن‌الدین دبیر کاشانی خلدآبادی رساله شمایل‌الاعتقا را که مجموعه‌ای از اندیشه‌های صوفیان می‌باشد، به رشته تحریر درآورده است. نگارش کتاب در زمان حیات برهان‌الدین غریب آغاز شده است و در این اثر آینه‌ای تمام‌نما از عرفان قرن هشتم را می‌توان مشاهده کرد. از رساله شمایل‌الاعتقا تاکنون یک نسخه چاپ سنگی به سال ۱۳۴۷ ه.ق. در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است و چندین نسخه غیرچاپی نیز موجود است. تصوف عملی، ذکر، کرامت، توبه، بیعت، ارتباط مرید و مراد، آداب خرقه، سماع، یقظه و بیداری و... از جمله مؤلفه‌های مهم عرفانی در این اثر مورد بررسی است. پژوهش حاضر بر مبنای مطالعات سندکاوی، کتابخانه‌ای و به روش فیش‌برداری انجام گرفته است.

کلیدواژه: شمایل‌الاعتقا و رذایل‌الاشقیا، رکن‌الدین دبیر کاشانی، چشتیه، آداب و تعلیمات، عرفان.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

Zahra.rahimi@alum.semnan.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

Mohamad rezaie@semnan.ac.ir

۳. استاد گروه ادیان و عرفان، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

khayatian@semnan.ac.ir

۱- مقدمه:

چشتیه، سلسله‌ای معروف از صوفیان مسلمان شبه قاره، منسوب به چشت در افغانستان است. با این‌که پیروان آن حنفی مذهب‌اند اما ارادتشان به ائمه شیعه درخور توجه است.

در این‌که این فرقه به چه کسی منسوب است اختلافات بسیاری دیده می‌شود. گروهی چشتیه را منسوب به معین‌الدین محمد، ملقب به آفتاب ملک هند (۵۳۷-۶۳۳ هـ.ق) می‌دانند.

خواجه معین‌الدین، اصالتاً سیستانی بوده و در شهرهای خراسان زندگی می‌کرده و با مشهورترین صوفیان عصر خود از قبیل نجم‌الدین کبری، شهاب‌الدین سهروردی و اوحدالدین کرمانی ملاقات کرده است. وی در سال ۵۸۹ ه.ق به دهلی رفته و از آن‌جا به اجمیر (ایالتی در هندوستان) عزیمت کرده و در همان‌جا وفات کرده است. گروهی دیگر نیز مؤسس این فرقه را مردی به نام ابواسحاق شامی می‌دانند که از سادات بوده و نسبش با ۹ واسطه به امام علی رسیده است. ابواسحاق از اهالی آسیای صغیر بوده، سپس به هند مسافرت می‌کند و در چشت ساکن می‌شود و برخی نیز نوشته‌اند وی سپس به شام رفته و در عکا مدفون می‌گردد. گروهی دیگر نیز مؤسس چشتیه را خواجه ابدال چشتی (م: ۳۵۵ هـ.ق) می‌دانند. گفته‌اند خواجه معین‌الدین محمد، خواجه ابدال را به هند آورده است و یا آن‌که خواجه ابدال، خود در سال ۴۷۱ هجری قمری به هند مسافرت کرده است و ناگفته پیداست که این نمی‌تواند صحیح باشد چرا که مرگ خواجه معین‌الدین (۶۳۳ق) ذکر شده و وی نمی‌تواند عامل هجرت خواجه ابدال در سال ۴۷۱ ه.ق باشد.

۲- معرفی رکن‌الدین دبیر کاشانی:

رکن‌الدین بن عمادالدین کاشانی خلدآبادی ملقب به دبیر یا دبیر معنوی، عارف چشتی و نویسنده فارسی‌نویس نیمه اول قرن هشتم (۷۳۲ ه.ق) در جنوب هندوستان است. کاشانی وی مرید برهان‌الدین غریب هانسوی (م: ۷۳۸ ه.ق/۱۳۱۷م) و پس از او مرید جانشینش، شیخ زین‌الدین داود بن حسن شیرازی است. او از جمله خلفای شیخ نظام دهلوی و از بزرگان مشایخ هندوستان است.

۳- معرفی شمایل‌التقیا و ردایل‌الاشقیا:

شمایل‌التقیا از مهم‌ترین آثار خواجه رکن‌الدین است. او در این رساله مباحث مختلف

مذهبی را نقل می‌کند و آن را با آراء صوفیان می‌آمیزد. او در ضمن بیان مقاصد خود، اقوال و آراء دیگران را برای تأیید قول خود نیز می‌آورد.

این کتاب، بیشترین منقولات را از تمهیدات عین القضاة دارد و مجموعه‌ای از مکتوبات و اخبار شفاهی صوفیه است که طیف کاملی از موضوعات مرتبط با اعمال و افکار عرفانی را دربرمی‌گیرد. رکن‌الدین در مقدمه‌اش فهرستی بیش از دویست و پنجاه تن از مراجع قدیم دین و تصوف را آورده که در هر صفحه از این کتاب به عنوان منبع و با دقت تمام از آنها نقل قول کرده است. او نگارش شمایل‌التقیاء را در زمان حیات برهان‌الدین غریب آغاز کرد و آن مراد، بر این مجموعه عرفانی مهر تأیید نهاد و رکن‌الدین را لقب «دبیر معنوی» داد. موضوعاتی که رکن‌الدین در شمایل‌التقیاء گنجانده است، مستمعانی خاص از میان صوفیان درس‌خوانده را مخاطب قرار می‌دهد. از دو بخش اصلی کتاب، اولی متضمن بحثی است در ۵۲ فصل در باب شعائر اسلامی و مقامات باطنی تصوف. دومین بخش تحلیلی است از احوال عرفانی. بخش سوم و چهارم در باب کلام و انسان‌شناسی‌اند که در قیاس با بخش‌های قبل بسیار کم‌حجم‌اند و صرفاً نقش ضمیمه دارند. نقش خاص این متن در بسط و گسترش ملفوظات ناشی از اشتغال آن بر بسیاری از تعالیم شفاهی استادش برهان‌الدین غریب است. کتاب شمایل‌التقیاء آینه‌ای تمام‌نما از رویکردهای صوفیانه و عرفانی در قرن هشتم می‌باشد که رکن‌الدین در اثر ارزشمند خویش بدان پرداخته است.

ملفوظات چستی که مرز میان متن و گفتار را درمی‌نوردند، به نحو مشهودی در این فهرست نقش اصلی دارند. همان‌طور که در دستینه‌های صوفیه مرسوم است، هر فصل با نقل قول‌هایی از قرآن و حدیث آغاز می‌شود و به دنبال آن گزیده‌هایی از آثار تفسیری، فقهی، کلامی و انبوهی از منابع صوفیه می‌آید. حسن قبول شمایل‌التقیاء را می‌توان از ترجمه آن به زبان اردوی دکنی در سال ۱۳۴۷ ه.ق فهمید. نقش خاص این متن در بسط و گسترش ملفوظات ناشی از اشتغال آن بر بسیاری از تعالیم شفاهی برهان‌الدین غریب است.

۴- پیشینه تحقیق:

کنکاش در مقالات ادبی دانشگاهی نشان می‌دهد چندان به رساله شمایل‌التقیاء توسط محققان توجه نشده است.

در زمینه موضوعات مربوط به این کتاب تنها می‌توان به دو مقاله زیر اشاره کرد: در مقاله‌ای

با عنوان سنت اخذ و اقتباس در متون و نمود آن در شمایل‌الاعتقیا رکن‌الدین دبیر کاشانی که توسط مصطفی موسوی در سال ۱۳۹۱ نوشته شده و در مجله ادب دانشگاه تهران منتشر شده است و در آن به بررسی اخذ و اقتباس در کتاب شمایل پرداخته شده است. در این مقاله ضمن بیان تاریخچه‌ای از سنت اخذ و اقتباس در فرهنگ اسلامی به مسئله رعایت امانت در نقل آثار توسط خواجه رکن‌الدین کاشانی در رساله شمایل‌الاعتقیا توجه شده است و نتیجه نهایی این تحقیق نشان می‌دهد در این رساله رعایت امانت چندان مورد اعتنای مؤلف نبوده است. مقاله دیگری با محوریت رساله شمایل‌الاعتقیا با عنوان مکتوب شدن تعالیم شفاهی در طریقه چشتیه متقدم توسط کارل ارنست نوشته و توسط مسعود فریامنش ترجمه و در سال ۱۳۹۳ در مجله ادبی آئینه پژوهش منتشر شده است، در این مقاله سعی شده با نشان دادن نمونه‌هایی قابل تأمل، ارتباط سنت شفاهی، مبانی اعتقادی و چگونگی تلقی امروزی از آن با مکتوب شدن تعالیم چشتیه بررسی شود و در ضمن، اهمیت شمایل‌الاعتقیا در تاریخ تصوف نشان داده شود. نویسندگان در این مقاله ابتدا بحث گذر از تعالیم شفاهی به متن مکتوب در تصوف را مورد واکاوی قرار می‌دهد و سپس درخصوص گسترش بنیان ادبیات ملفوظات چشتی مطالبی ارائه می‌نماید. بر اساس این مقاله گذر از قالب شفاهی به قالب مکتوب در سبک‌های ادبی گوناگونی انعکاس یافته که با مخاطبان متفاوت تناسب داشته است.

۵- مرکز سلسله چشتیه:

مرکز سلسله چشتیه در هند و افغانستان بوده سپس به ایران سرایت کرده است. چند قرن از سلسله چشتیه در ایران نام و نشانی نبود تا در ایام اخیر مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی ملقب به طریقت، قطب سلسله چشتیه در ایران گردید. شیخ در زمان تحصیل علوم دینی در شهر اصفهان به سر می‌برد. در آن زمان، دست ارادت به مرحوم حاج محمدصادق اصفهانی رنگرز داد و تحت تربیت روحی وی قرار گرفت.

۶- خصوصیات عمده فرقه چشتیه:

از خصایص پیروان این فرقه آن بوده که در این مسلک از استعمال مواد مخدر و بنگ و حشیش و توتون و مشروبات الکلی اجتناب می‌ورزند؛ هم‌چنین سلسله چشتیه دارای چند خصوصیت عمده به شرح زیر در دوره اعتلای خود بوده است:

- پیروان چشتیه دارای نظامی متمرکز بوده‌اند که امور معنوی و معیشتی را سامان می‌داده

است.

- از مهم‌ترین خصایص این طریقه آن بوده که اقطاب اقدام به تعیین فرزند خود به عنوان جانشین نمی‌کرده‌اند بلکه انتخاب جانشین بر اساس صلاحیت بوده است.
- از دیگر خصایص پیروان طریقه چشتیه عدم اعتنا به حاکمان زمان خود بوده است که روایات و قصه‌های بسیاری در این باب در کتب چشتیه می‌توان یافت.

۱. ۶- اساس اندیشه‌های چشتیه:

اندیشه‌های عمده چشتیه را به ترتیب زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. مقصد غایی مشایخ چشتیه ایجاد محبت ذات باری در دل انسان‌ها بود. آنان اعتقاد داشتند که کمال زندگی انسان آن‌گاه میسر و فراهم می‌شود که انسان به رب وابستگی داشته باشد و به سنت الله احترام بگذارد. اگر کسی ذات حق را به وسیله صفات او ادراک کند، می‌تواند خود را از همه قوای مادی آزاد کند. انسان در حیات دنیوی خواستار رزق، صحت و عترت است و همه این‌ها را خداوند عطا می‌کند. اصلاح شخصیت بدون محبت الهی ممکن نیست.
۲. پیروان سلسله چشتیه به اخوت انسانی معتقد بودند و می‌کوشیدند که ارزش‌های اخلاقی و روحانی والایی را در دل همه انسان‌ها ایجاد کنند، اعتقاد استواری داشتند که «الْخَلْق عِیَالُ اللَّهِ».
۳. مشایخ چشتیه روح قرآن را به عنوان انقلاب مذهبی مطرح کردند و گفتند که نام دیگر مذهب خدمت به خلق است. هر کوششی که در راه رفاه انسان به عمل آید، کوششی روحانی است. خواجه معین‌الدین چشتی معتقد بود که عبادت حقیقی درماندگان را فریاد رسیدن و حاجت بیچارگان روا کردن و گرسنگان را سیر گردانیدن است. نظام‌الدین اولیاء هم طاعت را به طاعت لازم و طاعت متعدی تقسیم کرده و مذهب را مترادف با خدمت به نوع بشر قرار داده است.
۴. مشایخ چشتیه معتقد بودند که راهنمایی انسان به سوی فلاح و دور کردن او از بدی و پدید آوردن ارزش‌های اخلاقی و روحانی در وجود انسان‌ها نه تنها واجب است بلکه کار انبیاء است. سید محمد گیسودراز معتقد بود: حق تعالی قادر است که خلق را خود بدون واسطه نبی هدایت کند اما سنت او بر این جاری است که نبی مبعوث شود بر هر قومی از ایشان تا دعوت کند ایشان را بدان‌چه فرمان او باشد. کذلک مشایخ هم به فرمان او دعوت خلق سوی او کنند.

۵. مشایخ چشتیه جنبه عملی نظریه وحدت وجود را رواج دادند، ایشان بیان می‌داشتند اگر این نظریه در جامعه انسانی اعمال شود، اتحاد اجتماعی پدید می‌آید.
۶. مشایخ چشت همواره بر این اعتقاد پافشاری می‌کردند که باید از دربار و سیاست فاصله داشته باشند.
۷. مشایخ چشتیه معتقد بودند که رمز رستگاری و بهبود اجتماعی و فردی در ترویج و توسعه نیازها نیست، بلکه زندگی توأم با قناعت، ضامن حقیقی سعادت آنان است و اگر انسان ذات خالق کاینات را در تمام جوانب زندگی حاضر و ناظر ببیند چنان با دل‌گرمی به فعالیت مشغول می‌شود که گویی چاکری برای مولای خود به تلاش پرداخته است.
۸. علم در میان مشایخ چشتیه جایی ارجمند دارد. اگر کسی در علوم ظاهری به نهایت نمی‌رسید، خرقة به او تعلق نمی‌گرفت. در این مسئله مصلحت دینی مد نظر بود. انسان فاقد علم نه می‌تواند اسرار تصوف را دریابد و نه قادر است مثل طبیب حاذق امراض روحانی را تشخیص دهد.

مشایخ چشتیه معتقد بودند علوم ظاهری لازم است ولی کافی نیست. مشایخ می‌کوشیدند که کتاب‌هایی را به خلفای خود بیاموزند. مرشد نظام‌الدین، قرآن کریم، عوارف‌المعارف و تمهیدات ابوشکور سالمی را به وی درس داده بود. بزرگان چشتیه بعدها کتاب‌های دیگری را برای خلفای خود تعیین کردند، از جمله این کتاب‌ها: احادیث نبوی، احیاء علوم‌الدین، قوت‌القلوب، فصوص‌الحکم، کشف‌المحجوب، رساله قشیریه، کیمیای سعادت، مثنوی معنوی و کتاب‌های دیگر را می‌توان نام برد.

۶.۲- آداب و تعلیمات در طریقه چشتیه بر اساس رساله شمایل‌الاعتقیا و ردایل-

الاشقیبا:

- توبه
- توجه به پیر و رابطه مرید و مراد
- بیعت
- خدمت و محبت به خلق
- خرقة پوشی
- کرامت
- ذکر

- بیداری و شب زنده‌داری (یقفه)

- نماز

- سماع

- مراقبه

۲.۱. ۶ - توبه:

در طریقت چشتیه «نخستین شرط مرید آن است که خود را از معاصی تخلیه کند (توبه) تا شایستگی آن را داشته باشد که نفس را به حلیه عبادت آراسته سازد. از نظر چشتیه توبه چنان لازم است که بعضی مشایخ توبه و ارادت را یکی دانسته‌اند، چنان‌که هر گاه کسی به نزد شیخ به نیت ارادت (مریدی) می‌آمد، اول می‌بایستی فاتحه و اخلاص بخواند، سپس آمن الرسل... آن‌گاه می‌فرمود بیعت کردی بر من ضعیف و خواجه این ضعیف و خواجگان خواجه ما. بر پیغمبر (ص) و با حضرت عهد کردی که دست و پای و چشم نگاه داری و بر نهج شرع باشی ان شالله تعالی». (آریا، ۱۳۸۳: ص ۱۹۷)

۲.۲. ۶ - توجه به پیر و رابطه مرید و مراد:

ساده بودن روابط مرید و مراد در بعضی از شاخه‌های سلسله چشتیه و راه‌های آسان برای پذیرش مرید، یکی از عوامل تمایل مردم به این سلسله بوده است. گرچه بعضی از اقطاب مانند بابا فریدالدین گنج‌شکر روش غیابی را مردود دانسته‌اند اما بعضی دیگر مانند سیدمحمد گیسودراز معتقد بودند که لازم نیست مرید و طالب مرشد و پیر را زیارت کنند؛ بلکه غیابی هم می‌توان با وی بیعت کرد. در گذشته برای ورود به این سلسله آداب دیگری نیز وجود داشت، از جمله مرید می‌بایست مدت‌ها در خانقاه در خدمت شیخ می‌بود و اعمالی که جنبه ریاضت داشت انجام می‌داد اما به مرور زمان این قبیل آداب دگرگون شد. در این سلسله وقتی سالک قدم در سیر و سلوک می‌گذارد ابتدا باید توبه و خود را از معاصی تخلیه کند تا شایستگی آن را داشته باشد که نفس را به حلیه ارادت آراسته سازد.

«طبق آداب چشتیه مرید درجاتی دارد: مرید سالک، مرید واقف، مرید راجع. مرید سالک راه معرفت را بدون وقفه طی می‌کند، اگر وقفه‌ای در این راه ایجاد شود وی را واقف می‌خوانند و چنان‌چه وقفه را با توبه همراه نسازد و بر آن استمرار ورزد به او راجع می‌گویند. در گذشته مشایخ چشتیه کمتر فرزندان خود را به خلافت می‌نشانند و بیعت با مرده و بیعت با خضر که

بعدها کم و بیش معمول شد، مردود بود. به درویشانی هم که دست ارادت به شیخی نداده بودند می‌گفتند که «در پله کسی ننشسته است» بیعت دوم مریدی که با پیر بیعت می‌کرد درست نبود زیرا مرید باید به یک حلقه متصل می‌بود». (حداد عادل، ۱۳۸۳، ج ۸: ص ۸۳۲)

مرید و سالک راه طریقت در فرقه چشتیه باید تکالیف واجب دینی و مستحبات شرعی به جای آورد. «طبق دستور مرشد... دستور و تعالیم شیخی در این فرقه نسبت به شیخ دیگر ممکن است متفاوت باشد و حتی گاهی دستور مرشدی در مورد مریدان مختلف خود متفاوت است». (چشتی مودودی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴)

۶.۳.۲ - بیعت:

در معنی بیعت، رکن‌الدین کاشانی در ادامه می‌گوید «معنی ارادت و بیعت و طریقه پیوند کردن رجال و نساء با مشایخ بر حق و شرایط آن و احتیاج مریدان به شیوخ مرشد هادی و فرق میان ارادت و مشیت حق تعالی، ارادت و بیعت آن که این خواست را به مشیت مقرون گرداند، یعنی به شیخ بر حق وسیلت نماید قوله تعالی یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ آیت دیگر یدُ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ معنی وسیلت یک قول این است که الْوَسِيلَةَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى التَّقَرُّبُ إِلَى الْفُقَرَاءِ...». (دبیر کاشانی خلدآبادی، ۱۳۴۷: ص ۳۶) و در معنی این عبارت می‌گوید: «یعنی [ای کسانی که] بیعت کردند با تو ای محمد به ایمان آوردن و اطاعت اوامر و نکرت نواهی کردن در حقیقت ایشان بیعت کردند با حق تعالی و در حالت بیعت ید قدرت الهی بر دست ایشان بوده است هر که این عهد بیعت بشکند هر آینه او نفس خود را شکسته باشد». (همان: ص ۳۶)

۶.۴.۲ - خدمت و محبت به خلق:

از نظر پیروان، بزرگان و مشایخ چشتیه، اصل و اساس مذهب چیزی نیست جز خدمت به خلق. «بر بنیان نظریه «وحدت وجود» مشایخ چشتیه از این مسئله برای اتحاد افراد و نزدیک ساختن قلوب آنان با یکدیگر و رفع تبعیض و تفاوت طبقاتی بهره می‌جستند». (سجری، ۱۳۹۰: صص ۱۲-۱۳). به همین دلیل کسب علم و دانش و بصیرت عرفانی را برای اهل تصوف امری لازم می‌دانستند. از این رو خدمت به خلق و محبت با تمام موجودات هستی، یکی از ارکان اصلی و مهم در طریقت چشتیه است؛ چنان که رکن‌الدین کاشانی در بیانی تأویل «ولایت» را نیز به «محبت» تأویل و تفسیر کرده است:

«ولایت به معنی ربوبیت و به معنی محبت است یعنی ما بندگان در روز قیامت هم رعایت ربوبیت و هم رعایت محبت خواهیم کرد». (دبیر کاشانی خلدآبادی، ۱۳۴۷: ص ۲۹) و در موضعی دیگر می‌گوید: «چون ولایت به معنی ربوبیت و محبت است، شیخ صاحب ولایت هم مربی باطن مریدان باشد یعنی پرورش‌دهنده باطن مریدان را به محبت و توحید و عشق و معرفت خدای و جز آن و هم محب باشد و هم محبوب و هم ولی باشد و هم والی حل و عقد امور ملک خود حق تعالی بدیشان مفوض کرده و ایشان را متصرفان ممالک الهی گردانیده تا مصالح دنیا و عقبی به پرداخت رسانند. قوله تعالی لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ...^۱ (همان: ص ۳۲) بر طبق آن چه که رکن‌الدین کاشانی ذکر نمود، ولایت با نگاهی تأویلی داشتن محبت نسبت به عام و خاص است. رکن‌الدین در جای دیگر در توصیف عاشقانه‌ای از «تصوف» آن را از محبت می‌داند: «صوفی را از صوف گرفته‌اند و صوف را از صوف گرفته‌اند و صوف از پشم شتر بچه است آن را ندف می‌کنند چنان چه هبا می‌شود هر که در محبت خدا هبا باشد او را صوفی خوانند». (همان: ص ۵۰)

از دلایل اقبال و توجه عامه مردم به طریقت چشتیه محبت و عطوفت فراوانی بود که در میان مریدان، پیران و پیروان این فرقه مشاهده می‌شد تا جایی که در این طریقه تمامی مخلوقات الهی شایسته محبت بودند و برخورد تساهلی و تسامحی بزرگانی چون نظام‌الدین اولیاء با مردم در این باب مثال‌زدنی است: «شیخ هر باری که به زیارت شیخ‌الاسلام قطب‌الدین آمدی میان راه، فواحش خیمه بزده، نشسته بودند وجهی فرمودی که بر ایشان فرستادی و گفتمی که بگویند که شیخ می‌فرماید که قدری بروید در سایه بنشینید تا آنکه جمله فواحش آن روز برون می‌آمدند شیخ را انتظار داشته می‌بودند و هر بار سلام می‌کردند و در میان راه بیشتر می‌ایستادند، شیخ وجهی معین فرمودی تا آنکه آن مقدار برای ایشان وظیفه شکل شده بود. در غرس‌ها البته برایشان زله و چیزی فرستادی». (ر.ک: فتحی مرنست، ۱۳۹۹: ص ۱۸۳)

۶.۵.۵- خرقة‌پوشی در طریقه چشتیه بر اساس رساله شمایل‌الاتقیا:

تا زمان شیخ نصیرالدین چراغ دهلی آداب خرقة‌پوشی بسیار مهم بود و سعی می‌شد خرقة را که میراث مقدس خواجهگان چشت بود به جوانان ندهند و از خرقة‌بازی به شدت جلوگیری

^۱ - آیه ۳۴ سوره زمر

می‌شد. برای خرقه، اصلی الهی قائل بودند و منشأ آن را به شب معراج می‌رساندند که پیامبر اکرم (ص) خرقه فقر را از خدا دریافت کرد و سپس آن را که امانت و سرّ الهی بود به علی (ع) پوشاند. از نظر آنان هیچ شجره طریقتی نیست که به علی نپیوندد.

«در سلسله چشتیه خرقه ارادت برخلاف خرقه تبرک به هر مریدی داده نمی‌شد، مگر مریدانی که تابع اراده شیخ بودند و از دستور مراد خود ذره‌ای سرپیچی نمی‌کردند. به این نوع خرقه که از جانب خدا بر دل پیر ملهم می‌شد و از همه معتبرتر بود خرقه خلافت رحمانی می‌گفتند.

گاهی هم پیر بر اثر اجتهاد و همل نیک او خرقه می‌داد آن را خرقه اجتهاد می‌نامیدند. بر اثر توصیه یا تبرک هم خرقه‌هایی داده می‌شد که چندان اعتبار نداشت». (حداد عادل، ۱۳۸۳، ج ۸: ص ۸۳۲)

آداب خرقه‌پوشی در شمایل‌التقیا هم بر همین اساس است. چنان‌چه عمادالدین به نقل از مشایخ چشتیه می‌نویسد: «خرقه در وجود مرید همان کار کند که پیراهن مهتر یوسف بر مهتر یعقوب کرد و خرقه که حضرت رسالت پناه به امیرالمؤمنین مرتضی علی علیه السلام کرم الوجه داد اگر چه آن خرقه نماند ولیکن برکات و تأثیرات آن در فرقه‌های مشایخ مانده است». (دبیر کاشانی خلدآبادی، ۱۳۴۷: ص ۵۶)

بر طبق رساله شمایل‌التقیا «خرقه در طبق باور عمادالدین کاشانی پنج نوع است اول خرقه ارادت است که روز بیعت شیخ مرید را بدهد و توبه کناند و بصلاح و تقوی درآرد دوم خرقه محبت است که پیر بعد ارادت مرید را کلاه یا جامه بشفقت دهد آن جامه نیز از نعمت خالی نباشد سیوم خرقه تبرک است که شیخ جز مرید دیگری را بالتماس آن کس عطا کند چهارم خرقه صحبت است آنکه شیخ در حیات خود بسبب بُعد مسافت مرید را قابل نعمتهای دیگر داند او را بشیخی کامل صحبت فرماید تا او ضایع نماند و بدان نعمتها رسد و تواند بود و در خواب هم مرید را اشارت فرماید صحبت آن شیخ کند پنجم خرقه حقیقی است که شیخ به مریدی خاص دهد و مصالح ظاهر و باطن و دینی و دنیاوی آن مرید از قلیل و کثیر متکفل شود و بر خود لازم نماید تا آن مرید را بحق برساند فاما کسی نداند که شیخ وقت ارادت آوردن ازین پنج خرقه خرقه حقیقی به که می‌دهد آن میان حق و شیخ است و تواند بود که اگر مرید قابلیت ازلی دارد هم بروز ارادت خرقه حقیقی دهد و گرنه بتدریج بکمالت رساند بعده خرقه حقیقی دهد». (همان، ص ۵۸)

۶.۲.۶- کرامت:

از دیدگاه پیروان طریقت چشتیه «آنچه در او عقل را گنجایی نیست آن کرامت باشد. پنهان نگه داشتن کرامت و فاش نکردن آن از اصول مورد قبول و تأکید مشایخ چشتیه بوده است». (نصیری جوزقانی، ۱۳۹۴: ص ۱۱۶) رکن الدین کاشانی در بیان هفتم از اوصاف طریقت به شرح تفاوت معجزه انبیاء و کرامت اولیاء پرداخته و می گوید: «معجزه انبیاء را بود که ایشان را علم کامل بود و [صاحب] وحی جلی بودند و هر چه اظهار کنند معجزه باشد و کرامت اولیاء را بود که ایشان نیز علم و عمل کامل دارند فاما مغلوب باشند هر چه از ایشان به ظهور آید کرامت بود اما معونت آن است که ایشان را علم کامل نه باشد آن گاه از ایشان چیزی خرق عادت معاینه افتد اما استدراج طایفه بی ایمان را باشد که از سحر و غیر آن چیزی معاینه افتد... کرامت اولیاء بر حق است و آن خارق عادت باشد چنانچه قطع مسافت بعیده در مدت قلیل کند و بر آب و هوا برود». (رکن الدین دبیر کاشانی، ۱۳۴۷: ص ۳۹) رکن الدین از قول عین القضاة کرامت را نعمت حق تعالی می داند که «هر که را می خواهد بی واسطه نماز و روزه عطا می کند. رساله عین القضاة: کشف و کرامت نعم حق تعالی است هرکرا خواهد بی واسطه نماز و روزه و خیرات عطا کند چنانچه پدر من قاضی رشوتستان بود ولی صاحب کشف و کرامت». (همان: ص ۳۶)

۶.۲.۷- ذکر در طریقه چشتیه بر اساس رساله شمایل الاتقیا:

در سلسله چشتیه شریعت مقدم بر طریقت است و نه تنها مرید بلکه مرشد هم باید تمام واجبات و فرایض دینی و حتی مستحبات شرعی را با دقت به جا آورد، افزون بر این مرید باید طبق دستور مرشد اذکار و اوراد ویژه ای را در اوقات خاص به صورت خفی یا جلی بر زبان جاری سازد. این اوراد از شیخی به شیخ دیگر و از مریدی به مرید دیگر متفاوت است. مشایخ چشتیه طبق سنتی غالباً این اذکار را به رسول اکرم نسبت می دهند و معتقدند که آن حضرت آن ها را به علی -علیه السلام- تعلیم داده است. گرچه ذکر لاله الله افضل و اولی از دیگر ذکرهاست. اما به آن اکتفا نمی شود.

«به دستور پیر گاهی مرید باید ذکر خاصی را هر روز هفتاد بار تکرار کند و برای هر وقت نیز ذکر معینی توصیه می شود. تعلیم ذکر از همان زمانی که طالب بیعت می کند، شروع می شود. ابتدا ذکر از راه تلقین و در خلوت انجام می گیرد و سپس طبق دستور مرید بعد از

نماز یا در ساعاتی خاص اورادی می‌خواند. در گذشته اذکار منظومی به زبان فارسی خصوصاً در حوالی دکن در مجالس عمومی و خصوصی خوانده می‌شد». (حداد عادل، ۱۳۸۳، ج ۸: ص ۸۳۳)

عمادالدین کاشانی در رساله شمایل‌التقیا می‌نویسد: «چون حق تعالی خواهد کسی را صاحب ولایت گرداند اول در «ذکر» بر او گشاید چون در ذکر متلذذ گردد در قرب بر او گشاده کند پس او را در مجلس انس بر کسی توحید نشانند بعده حجاب از پیش او بردارد و در سرآی فردانیت آرد و عظمت و جلالت خود برو کشف کند اینجا در لقای حق فانی گردد. (رکن‌الدین دبیر کاشانی، ۱۳۴۷: ص ۴۱)

انواع ذکر در طریقه چشتیه به ترتیب زیر است:

- «ذکر نفی و اثبات چار ضربی

- ذکر دفع مرض

- ذکر تجلی انائیت

- ذکر سه پایه

- ذکر کلیه

- ذکر پاس انفاس

- ذکر محوالبهات» (چشتی مودودی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۶)

۶.۲.۸ - بیداری و شب زنده‌داری (یقظه):

بیداری و یقظه از لوازم لاینفک حرکت ارادی سالک در طی طریقت است. این یقظه و بیداری هم شامل شب زنده‌داری است و هم آگاهی باطنی و درونی. شیخ رکن‌الدین درخصوص بیداری می‌گوید: «حضرت رسالت پناه را فرمان شد شب برخیز و به طاعت و عبادت مشغول شو، رسول الله همه شب بیدار می‌بود، چنانکه پای‌های مبارک بیاماسید باز فرمان آمد الاً قليلاً مگر اندکی بخشب». (رکن‌الدین دبیر کاشانی، ۱۳۴۷: ص ۱۰۲)

در فضیلت شب بیداری رکن‌الدین در رساله «شمایل‌التقیا» آورده است: «اگر شب بیداری امتان رسول الله نه بودی همه خفتگان را هلاک می‌کردندی فضل امت حضرت رسالت اغلبی از بیداری شب است». (همان: ص ۱۰۳) یقظه ندایی الهی است که از پس حجاب‌های نفسانی و تعلقات مادی به گوش جان می‌نشیند و اگر زنگار ظلمت دل صیقل داده شود او را به مرتبهٔ آینگی و کمال می‌رساند. ندای حق همیشه تکرار می‌شود تا انسان مجذوب را به سوی خویش فراخواند. از این‌رو بیداری ظاهری و شب

زنده‌داری مقدمه‌ای است برای آگاهی دل. رکن‌الدین کاشانی در معنای تأویلی خواب را صفت بنده و بیداری را صفت حضرت حق می‌داند و می‌گوید: «خواب صفت عبد است و بیداری وصف معبود لا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ بر این حاکی است». (همان: ص ۱۰۵) رکن‌الدین حلاوت ایمان را در بیداری (ظاهری و باطنی) می‌داند: «حلاوت ایمان در شب بیداری است». (همان: ص ۱۶۰) در تأکید این معنی می‌گوید:

جانان سر تو که هر دو شب بیدارم
 فرق است ولی میان بیداری‌ها
 (همان: ص ۲۵۲)

عارفان مسلمان بر این عقیده‌اند که بیداری یا یقظه امری موهبتی و از منازل نخستین سلوک است. «بیداری و شب زنده‌داری از اعمال مجاهده در تعالیم چشتیه است». (سجزی، ۱۳۹۰: ص ۷) به همین دلیل است که رکن‌الدین کاشانی مکاشفات خواص را در بیداری و شب زنده‌داری می‌داند: «اکثر مکاشفات عوام در خواب اما مکاشفۀ خواص در بیداری است و آن است که غرائب احوال و عجایب احوال از حق یابند». (همان: ص ۲۶۷)

۶.۲.۹ - نماز در طریقه چشتیه بر اساس رساله شمایل‌الاتقیا:

علاوه بر نمازهای واجب، چهار نماز دیگر در میان وظایف فرقه چشتیه مشاهده می‌شود که هر کدام شامل اعمال و اوراد ویژه خود است. «نماز تهجد: چشتیه نماز تهجد را سنت پیامبر دانسته و بر آن تأکید دارند. این نماز ۱۱ رکعت است، وقت آن پاس سوم یا آخر شب است. نماز اشراق: به فرموده مشایخ چشت این نماز ۱۰ رکعت است، وقت آن برآمدن آفتاب به میزان یک نیزه است.

نماز صبحی: این نماز در وظایف سلسله چشتیه و تعداد رکعت‌های آن ۱۲ رکعت است، وقت ادای آن قبل از استواء تقریباً ۵:۱۱ قبل از ظهر است. نماز سعادت: ۴ رکعت است و وقت ادای آن بعد از عشاء است». (چشتی مودودی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۸)

۶.۲.۱۰ - سماع در طریقه چشتیه بر اساس رساله شمایل‌الاتقیا:

سماع، سنت بسیار متداول این سلسله است که در هند به سبب شرایط مساعد آن‌جا، رشد بیشتری پیدا کرد و یکی از اصول مهم تعلیمات و آداب این سلسله شد. ابواحمد ابدال

چشتی، ابویوسف چشتی، خواجه‌شریف زندنی، شیخ قطب‌الدین بختیار کاکای، شیخ نظام‌الدین اولیاء، شیخ علی‌احمد صابر و بسیاری دیگر از مشایخ چشتیه به سماع اعتقاد داشتند و آن را یکی از اصول طریقت می‌دانستند. برخی از آنان از جمله شیخ نظام‌الدین اولیاء، برای سماع شروطی قائل شده‌اند. «در تمدن اسلامی هیچ نظریه زیباشناختی خاصی درباره رقص وجود ندارد و فی‌نفسه هیچ سنتی از «رقص اسلامی» یا «رقص مسلمانی» وجود نداشته است». (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ص ۶۷۲) مجالس رقص سماع از اواخر قرن سوم در طریقه‌های اسلامی دیده می‌شود. سماع در لغت به معنی شنیدن است و در اصطلاح صوفیان به مجالسی گفته می‌شود که برای شنیدن آواز و احیاناً ساز در خانقاه یا محل اجتماع خود تشکیل می‌داده‌اند. این مجالس در قرن سوم و بیشتر در بغداد برگزار می‌شد. مجالس سماع همراه با شکل‌گیری جریان تصوف به خانه‌ها یا محل تجمع صوفیان راه یافت و طولی نکشید که در میان ایشان متداول شد.

«مجلس سماع صوفیان از این حیث که مجلسی بود که خواننده‌ای آواز می‌خواند و احیاناً خود خواننده یا نوازندگانی دیگر به نواختن ساز یا سازهایی می‌پرداختند از لحاظی شبیه به مجلس بزمی بود که خلفای عباسی ترتیب می‌دادند. اما این مجالس عیناً مورد تأیید صوفیان نبود. به نظر می‌رسد مجالسی که صوفیان به تقلید از آن‌ها اقدام به برگزاری مجالس سماع خود کردند به احتمال زیاد مجالسی بود که پاره‌ای از گروه‌های نومزدکی یا خرمدینی که معمولاً زندیق خوانده می‌شدند تشکیل می‌دادند، به خصوص گروه‌هایی که «جوانمرد» خوانده می‌شدند. از نظر صوفیان، سماع ادراکی بود که با گوش و قوه شنوایی آغاز می‌شد ولی چون ماهیت آسمانی داشت می‌توانست انسان را به درک نغمه‌های آسمانی هدایت کند». (حداد عادل، ۱۳۸۳، ج ۸: ص ۴۷۹)

سماع یکی از آداب و رسوم بسیار معمول چشتیه است که پیروان چشتیه آن را سنت پیران خود دانسته و یکی از اصول مهم تعلیماتی سلسله می‌دانند تا بدان‌جا که دو نفر از مشایخ بزرگ این طریقه جان خود را در مجلس سماع باختند.

«سماع و رقص و آواز که از نظر متشرعان و فقها حرام است از دید غالب فرقه‌های تصوف مخصوصاً از نظر چشتیه مباح و حتی با رعایت شرایطی مجاز و حلال هم هست. صوفیه برای اباحت تجویز سماع احادیث بسیاری نقل می‌کنند. در طول تاریخ یکی از علل اختلاف‌های متشرعین و اهل طریقت همین مسئله سماع بوده است». (آریا، ۱۳۸۳: صص ۲۱۱-۲۱۲)

سماع را اگر چه بسیاری از مشایخ سلف در سلسله‌های غیر چشتیه نیز گرمی داشته و

می شنیده‌اند لیکن به علت این که چشتیان به سماع آداب و رسوم مخصوصی قایل بوده و آن را از سنن پیران خود می‌دانند، سماع چشتیه بیشتر مطرح می‌شود. قال الله تعالی: "فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَالِئِبَابُ" [او کسانی را که از پرستش بتان پرهیز کرده‌اند و به خدا روی آورده‌اند، بشارت است پس بندگان مرا بشارت ده: آن کسانی که به سخن گوش می‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند، ایشانند کسانی که خدا هدایتشان کرده و اینان خردمندانند.]

چیست میدانی صدای چنگ و عود
 نیست در افسردگان شوق سماع
 انت جسی انت کافی او ودود
 ورنه عالم را گرفتست این سرور
 (اقبال، ۱۳۹۲: ص ۳۴۰)

در تفکر چشتیه، سماع حق است که گاهی بیان‌گر خون و اندوه است گاهی حکایت‌گر شوق است.

«سماع، جاذب رحمت خدای کریم است. این همان سماعی است که در آن دو تن از اهل ایمان اختلاف ندارند و سامع آن از اهل هدایت و خرد است و از ام‌کلثوم روایت شده که پیامبر اکرم فرموده: " إِذَا إِشْعَرَ جِلْدُ الْعَبْدِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَحَاتَّتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا تَتَحَاتُّ عَنِ الشَّجَرَةِ الْيَابِسَةِ وَرَقُهَا" [زمانی که بدن یکی از شما از ترس خدا بلرزد، گناهانش فرو ریزد به‌سان ریختن برگ از درخت خشک] در این جمله هیچ اختلافی نیست همانا اختلاف در استماع اشعار به الحان است و آن چه انکار شده همانا لهو و لعب است». (چشتی مودودی، ۱۳۸۹: صص- ۱۳۷-۱۳۸)

۲.۱۰.۱. ۶ - دلایل جواز سماع چشتیان به روایت مشایخ این فرقه به شرح زیر:

- ۱- «مجالس سماع سابقه‌ای در میان زهاد و نُساک مسلمان نداشت، هر چند که نویسندگان صوفی برای اثبات شرعی بودن سماع و مباح دانستن اعمالی که در مجلس سماع صورت می‌گرفته است سعی کرده‌اند نشان دهند که سماع و رقص و سایر اعمالی که انجام می‌دادند در زمان پیغمبر اسلام هم سابقه داشته است و حضرت رسول آن‌ها را منع نکرده است». (حداد عادل، ۱۳۸۳، ج ۸: ص ۴۷۹) جنید گفته است رحمت الهی بر درویشان در سه وقت نازل می‌گردد:
- ۱- «وقتی که مشغول غذا خوردن می‌باشند زیرا آنان برای قوت طاعت و حاجت می‌خورند.
- ۲- در وقت صحبت و مجلس‌شان زیرا آنان در بیان مقامات صدیقین و انبیاء گفت‌وگو می‌کنند.

۳- در وقت سماع زیرا آنان از روی وجد و یافته خویش سماع کرده و حق را مشاهده می‌کنند». (قشیری، ۱۳۷۴: ص ۵۱۷)

امروزه در بسیاری از مراکز و خانقاه‌های چشتیه، به طور خصوصی یا عمومی، به ویژه در اعیاد، ایام عرس و وفات مشایخ، مجالس سماع برپا می‌شود و قوالان در حضور مشایخ، غالباً اشعار عرفانی یا ابیاتی در مدح اهل بیت -علیهم‌السلام- می‌خوانند و ساز می‌زنند.

برهان‌الدین غریب روش خاصی در سماع ابداع کرد که به روش برهانی معروف شد.

۲.۱۰.۲. ۶ - سماع چشتیه در هند:

«زمانی که سلسله چشتیه در شبه قاره هند به وسیله خواجه معین‌الدین چشتی (م: ۶۳۳ ه.ق) نفوذ و توسعه یافت سماع هم که یکی از سنت پیران این طایفه بود در آن سرزمین رونق یافت. از آن جایی که خواجه معین‌الدین چشتی مؤسس سلسله چشتیه در هند، بیشتر اوقات خود را برای توسعه اسلام و استحکام بنیاد سلسله چشتیه، صرف می‌کرده است، همین مشغولیت وی به گسترش اسلام، دیگر وقت ترتیب مجالس سماع، همانند دیگر مشایخ سلف و خلف خود نداشته است». (آریا، ۱۳۸۳: ص ۲۱۳)

اکثریت بزرگان سلسله چشتیه از جمله: خواجه ابواحمد ابدال چشتی، خواجه ابویوسف چشتی، خواجه مودود چشتی، خواجه شریف زندنی و شیخ نظام‌الدین اولیاء سماع را یکی از اصول اصلی طریقت می‌دانسته‌اند.

به نقلی دیگر، سماع و قوالی از آداب و رسوم بسیار معمول چشتیه شد و پیروان این فرقه سماع را از اصول مهم تعلیماتی این سلسله می‌دانند.

در شرح احوال شیخ علو دینوری در کتاب خواجهگان چشت (سیرالاقطاب) تألیف شیخ الله‌دیه بن شیخ عبدالرحیم چشتی چنین آمده است: «نقل است که آن حضرت اهل سماع بود و اعراض مشایخ طریقت رحمهم الله تعالی کردی و خلیق را در مجلس عرس اجتماع دادی و طعام پیش همه یکسان می‌کشیدی. شخصی عرض نموده یا حضرت شما که سماع می‌شنوید در این چه اسراری است؟ فرموده که اسرار این معنی خود در بیان نیاید اما چون حضرت رسالت پناه (ص) و امیرالمؤمنین علی مرتضی و اولیای اعظام و بزرگان کرام ما شنیده‌اند من نیز سنت ایشان به جا می‌آورم و آن سرّیست از اسرار الهی که هر کس لایق آن نبود اگر سماع بر کسی مکشوف شود یک لحظه بی‌شغل سماع نماند. ظاهرینان دانند که قول قوالان سماع کنند و صاحب حال و خداوند وجد بر آواز قدس محفوظ‌اند». (چشتی، ۱۳۸۶: ص ۵۵)

شیخ نظام‌الدین اولیا اگر چه سماع را مباح می‌دانست لیکن برای آن شرایطی قائل بود از جمله: «گوینده زن و کودک نباشد، فقط مرد باشد، مستمع از یاد خدا غافل نشود، مجلس سماع جنبه لهو و لعب و مسخرگی نداشته باشد و بالاخره آلت موسیقی جز مزامیر نباشد. این‌چنین سماعی از نظر وی نه تنها مباح است بلکه حلال هم می‌باشد». (میرخورد، ۱۳۹۸: ص ۵۰۱)

سماع در شاخه نظامیه: «حضرت سلیمان‌المشایخ خواجه نظام‌الدین اولیای دهلوی خلیفه حضرت بابا فیرالدین مسعود گنج‌شکر چشتی اهل مجلس خود را همیشه به وجد و سماع توصیه می‌کرد و قوالان، نوازندگان و سرایندگان مخصوصی که غالباً در محافل عرفانی می‌نوازند و می‌سرایند و به صورت دسته‌جمعی می‌باشند را طلبیده خود به پا خواسته سماع می‌شنوید و اگر کسی معتقد سماع می‌دانست به سبب ادب به پا می‌خواست و تعظیم و توقیر می‌کرد». (چشتی، ۱۳۸۶: ص ۶۹)

بر این اساس شیخ نظام‌الدین اولیاء مؤسس شاخه نظامیه هم‌چون اسلاف خود در پای‌داشتن مجالس سماع بسیار سعی داشت و به آن اهمیت می‌داد. چنان‌که از شیخ محمود اودهی یکی از خلفای وی نقل می‌کنند که «هرگاه شیخ می‌خواست سماع بشنود امیرخسرو دهلوی و امیرحسن قوال که در علم موسیقی عدیم‌المثال بودند حاضر می‌شدند و مبشر که غلام زر خرید شیخ بود و در حسن صوت بی‌مانند بود، حاضر می‌گردید». (سرور لاهوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۳۴۰)

حکم سماع در شاخه نظامیه بر سه قسم است:

«قسم اول: آن‌که غفلت شنود و بر طریق بازی این کار اهل غفلت بود و دنیا همه لهو و بازی است و این نیز آن بود و روا نباشد که سماع حرام باشد. بدان سبب که خوش است که خوشی‌ها حرام نیست و آن‌چه از خویش‌ها حرام است نه از آن حرام است که خوش است بلکه از آن حرام است که در وی ضرری است و فسادی.

قسم دوم: آن‌که در دل مذموم بود، چنان‌چه کسی را در دل دوستی زنی بود یا کودکی بود سماع کند در حضور وی تا لذت زیادت شود یا در غیبت وی بر امید وصال تا شوق زیادت شود این حرام است.

قسم سوم: آن‌که در دل صفتی محمود باشد که سماع آن را قوت دهد که بر چهار نوع است: سرود و اشعار حاجیان بود در صفت کعبه و بادیه که آتش شوق خانه خدا را در دل جنباند. سرود نوحه‌گر به گریختن آرد. آن‌که در دل شاد می‌باشد و خواهد که زیادت کند به سماع و

اصل آن که کسی را که دوستی حق تعالی بر دل غالب شده باشد و به حد عشق رسیده سماع وی را مهم بود و باشد که آن از بسیاری خیرات بیش بود.

سماع صوفیان در اصل آن بود». (الدوسی، ۱۳۷۴: صص ۳۷۰ و ۳۷۵)

ضوابط سماع چشتیه به ترتیب زیر است:

سماع اگر چه در سلسله چشتیه مرسوم است، شرایط و ضوابط مخصوصی دارد. از جمله: زمان، مکان، اخوان.

زمان شنیدن قوالی سماعی هنگام نماز نباشد یا وقتی دیگر که در آن مسلمانان مأموریت شرعی دارند.

مکان عبارت از همان جایگه مخصوص است که زاویه یا خانقاه یا جایی به همین کیفیت.

اخوان منظور این که همه مجلس باید اهل سیر و سلوک و اصحاب طریقت باشند، سرد و منکر و جامد و متعصب و خشک و ملال در آن محفل نباشد تا سد راه فیوضات نگردد.

۳.۱۰.۲. ۶ - آداب سماع در شاخه نظامیه:

«در شاخه نظامیه هم آداب سماع سه چیز است که باید نگاه داشت:

زمان: هر وقت که دل مشغولی باشد یا وقت نماز بود یا وقت طعام خوردن بود یا وقتی بود که دل‌ها بیشتر پراکنده بود و مشغول باشد، سماع بی‌فایده است.

مکان: چون راه‌گذری باشد، یا جایی ناخوش و تاریک بود یا خانه ظالمی بود.

اخوان: اخوان یعنی آن بود که هر کس حاضر بود اهل سماع بود و چون متکبری از اهل دنیا حاضر بود، یا قرآی منکر باشد یا متکلفی حاضر بود که وی هر زمان به تکلف حال و رقص کند یا قومی از اهل غفلت حاضر باشند که ایشان سماع بر اندیشه باطل کنند یا به حدیث بیهوده مشغول باشد و به هر جانبی می‌نگرند و به حرمت نباشند یا قومی از زنان نظارگی باشند و در میان قوم جوانان باشند اگر از اندیشه یکدیگر خالی نباشند این چنین سماع به‌کار نیاید».

(الدوسی، ۱۳۷۴: ص ۳۸۸)

انواع سماع:

سماع خاصه خاصگان	سماع خاصگان	سماع عامه
سماعی است که از کشف، علت و نقصان را بشوید و ابد را با ازل پیوند دهد و نهایت را به اول برگرداند.	مشاهده مقصود با کل رمز واقف شدن بر غایت همه با حس خلاص یافتن از لذت‌جویی در پراکندگی.	<ul style="list-style-type: none"> - پذیرش زجر پرهیز از آن‌چه درباره‌اش وعید آمده از روی پرهیزگاری. - پذیرش دعوت آن‌چه درباره‌اش وعده آمده از روی جهد. - رسیدن به مشاهدت و سپاس از باری.

۱۱. ۶.۲ - مراقبه در طریقه چشتیه بر اساس رساله شمایل الاتقیا:

گرچه بعضی از بزرگان چشتیه مراقبه را مقدم بر ذکر می‌دانند، ولی اصل آن است که نخست مرید را با ذکر و دعاهای گوناگون و اوراد خاصی به جوش و خروش درآورند، سپس او را به حال مراقبه و تفکر وادارند. مراقبه که بعد از مجاهده است، خود مقدمه‌ای برای مشاهده و مکاشفه است. میرسیدمحمد گیسودراز در رساله مراقبه چشتیه می‌نویسد: «مراقبه در لغت به معنای گردن شتر سوار شدن است و به سوی دوست رفتن. و در اصطلاح سلوک، گردن نهادن به حضور دوست و دوست را نظر داشتن است آن‌گاه وی اضافه می‌کند که انواع مراقبه بسیار است و برای این‌که طالب زود به مقصود برسد، سی و شش نوع مراقبه بر سبیل اختصار ذکر کرده شد». (چشتی مودودی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۲)

عمادالدین در رساله شمایل الاتقیا در باب مراقبه به نقل از اکابر چشتیه می‌نویسد: «معنی مراقبه منتظر بودن و نگاهبانی کردن دل است چنان‌چه فرمان می‌شود فَأَرْتَقِبْ ای فانتظر یعنی دل را حاضر دار و حق را بر دل ناظر دان که این بر همه فرض است. مراقبه نگاهداشت سرّ است بملاحظه حق در هر خطره چون دل خود را به یقین منظور حق شناختی و اداب آن نگاهداشتی منتظر باش تا انوار سصد و شصت نظر لطف جلال و جمال که بر دل تو می‌تابد از نقاب غیب روی نماید. مراقبه بانواع است نخست مراقبه شیخ بر خود لازم و واجب بیند بدیده دل هم بر هیئتی که شیخ را در حضور حیات دیده است هر که پیوسته دل خود با دل شیخ مراقبه دارد و مدد طلبد فتوحات غیبی و نفحات ربانی از درونه شیخ نصیب دل او شود من القلوب الی القلوب روزنه سر این معنی است چه مرید اول توجه بحضرت عزت نتواند کرد که مرید را حجب بسیار است و خو گرفته عالم شهادتست با غیب اشنائی ندارد و دل شیخ متوجه حضرت است هر چه از انجا بدل شیخ می‌رسد بدل مرید هم برسد.

طریقه مراقبه اینست: طالب حق در خلوت شکم تهی و پشت برهنه بر طریق قعده بنشیند و بحضور تمام چشم بسته چنانچه هیچ عضوی نه جنبد و زبان از نطق و گوش از سماع باز دارد و در اوقات مرجوه چنانچه بعد فجر و عصر و استوا و نصف شب مراقبه کند تا هوا که وزیر نفس است از فرمایش حواس ظاهر معزول شود و اگر در اثنای مراقبه حسی کار فرماید کردن ندهد». (رکن‌الدین دبیر کاشانی، ۱۳۴۷: ص ۲۱۱)

برای مراقبه ۳۶ نوع برشمرند که متأثر از آیات قرآن و احادیث می‌باشد:

حضور، قلبی، قربت، معیت، احاطت، افعال، صفات، فنا، ذاتی، سوی، شهود، وجودی، سرادق، جمال، مصدر و مرجع، ارتسام، امانت، پیر، آینه، اشیاء، هویت، هیبت، وجه الله، خاتم، عرش، وراء، محاسبه، صور و اشکال، کرام، نزهت، خدا، فردانیت، صمدیت، عین، وحدت، کثرت.

نتیجه‌گیری:

طبق بررسی‌های به عمل آمده ویژگی‌ها و مؤلفه‌های عرفانی در طریقت چشتیه بر اساس متن شمایل‌التقیا و ردایل‌التقیا را می‌توان چنین توصیف نمود: رکن‌الدین کاشانی توبه‌پذیری باری تعالی را به سهولت و سادگی قابل توجهی شرح می‌دهد؛ چنان‌که خطاب حضرت حق نسبت به بنده گنه‌کار و شرط پذیرش توبه را تنها میل به بازگشت بنده به درگاه حق می‌داند. از همین رو قطع هواجس نفسانی و وسوسه‌های شیطانی در طی طریقت سلوک الی الله باید همواره مد نظر قرار گیرد. تزکیه و تصفیة نفس که در حقیقت مرحله کشف خویشتن است زمانی که به درستی به تحقق ببیوندند؛ سبب تخلی سالک از خویش می‌شود و قلب او از غیر خدا پاک و عاری می‌گردد و جز خدا را در وجود و قلب خویش نمی‌یابد؛ از این رو تنها قلوب خالی شده از غیر حق می‌تواند حقیقت و رموز عالم بالا را دریابد. شرط اول قدم برای رسیدن به چنین مرتبه‌ای توبه است. تعلقات در این مسیر بار خاطر سالک است؛ کاشانی به لزوم تأکید برگزیدن پیر توسط سالک نیز اشاره دارد. در اهمیت جایگاه پیر در آیین چشتیه آن‌که درویشی و طی طریق سلوک با حضور دل در خدمت پیر انجام می‌شود. در طریقت چشتیه، خدمت و روی آوردن سالک به نزد مراد و پیر و ابراز ارادت به وی را از این رو «تحکیم» می‌گفتند که به‌نوعی پیر، جانشین رسول خداست و مرید را همان میزان اطاعت از او واجب است که اطاعت از رسول خدا. رکن‌الدین کاشانی نیز در ضمن توضیح و توصیف اوصاف شیخ و مراد به «بیعت» مریدان و شرایط آن اشاراتی دارد.

از این‌رو سالکی که خواهان ترقی و کسب مدارج عالی روحی و معنوی در طریقت است نیازمند راهنمایی و هدایت پیر و بیعت با اوست. از دیدگاه طریقت چشتیه طبق آنچه که رکن‌الدین کاشانی بازگو نمود، اشراف پیر بر درون و باطن سالک شرط لازم و اساسی است. طبق متن شمایل‌التقیا و ردایل‌التقیا، از نظر پیروان، بزرگان و مشایخ چشتیه، اصل و اساس مذهب چیزی نیست جز خدمت به خلق از این رو خدمت به خلق و محبت با تمام موجودات هستی، یکی از ارکان اصلی و مهم در طریقت چشتیه است؛ چنان‌که رکن‌الدین کاشانی در بیانی تأویل «ولایت» را نیز به «محبت» تأویل و تفسیر کرده است. رکن‌الدین دبیر کاشانی اصل و اساس عملی که نشان‌دهنده قبول این طریقت و پذیرش و عضویت رسمی این آیین باشد را

خرقه پوشی دانسته است. طبق محتوای نسخه شمایل‌الاعتقیا در این آیین مرید خرقه و کلاه را از پیر دریافت می‌کند و تأیید این که مرید شایستگی دریافت خرقه را دارد بر عهده پیر است؛ البته اشراف بر ضمیر و روشن‌قلب بودن پیر، در تشخیص سالک حقیقی از سالک واقف (متوقف شده در مسیر و طی طریق سلوک) نقش حائز اهمیتی دارد.

نتیجه دیگری که از این پژوهش مستفاد شد آن که رکن‌الدین کاشانی از اوصاف طریقت به شرح تفاوت معجزه انبیاء و کرامت اولیاء پرداخته است و از قول عین‌القضات «کرامت» را نعمت حق تعالی می‌داند که هر که را می‌خواهد بی‌واسطه نماز و روزه عطا می‌کند.

رکن‌الدین کاشانی «ذکر» را ویژگی و اوصاف حمیده زبان می‌داند. اهمیت ذکر در طریقت چشتیه تا بدان حد است که صاحب ولایت با گشایش درهای ذکر از جانب حضرت حق مورد التفات قرار می‌گیرد. این اذکار باید به‌صورت مداوم باشد؛ لذا شرط سالک «استدامت» در ذکر است. بیداری و یقظه نیز به‌عنوان دیگر ویژگی‌های عرفانی این اثر و از لوازم لاینفک حرکت ارادی سالک در طی طریقت که شامل شب زنده‌داری و آگاهی باطنی و درونی است، مورد توجه شیخ رکن‌الدین قرار گرفته است. برگزاری مراسم سماع در طریقت چشتیه، امری متداول و مرسوم بوده است که به آن اشاره شده است. پیروان طریقت چشتیه، سماع را سنت مشایخ و پیران خود می‌دانند. رکن‌الدین کاشانی در خصوص سماع و جواز آن در رساله شمایل‌الاعتقیا و ردایل‌الاشقیاء مطالب بسیاری را مورد توجه قرار داده است.

بسط و گسترش ادبیات عرفانی چشتیه از طریق تقریرات شفاهی (ملفوظات) پس از نظام‌الدین اولیاء در گفتار چند تن از مریدان وی از جمله برهان‌الدین غریب به‌صورت گسترده‌ای منعکس شده است. سنت مکتوب نمودن ملفوظات و تقریرهای شفاهی بزرگان مکتب چشتیه ادامه یافت و پس از نظام‌الدین اولیاء، مرید اصلی او برهان‌الدین غریب در رأس صوفیانی بود که پس از کوچ اجباری مسلمانان دهلی به دکن سرحلقه طریقت چشتیه شد.

منابع

- آریا، غلامعلی (۱۳۸۳)، *طریقه چشتیه در هند و پاکستان*، تهران: زوار.
- اسپوزیتو، جان ل (۱۳۸۸)، *دایرةالمعارف جهان نوین اسلام*، ترجمه حسن طارمی و دیگران. تهران: نشر کتاب مرجع.
- الدوسی، علی بن عثمان محمد (۱۳۷۴)، *عقاید نظامیه*، استانبول: مکتب‌الحقیقة.
- چشتی، شیخ الله‌دیه بن شیخ عبدالرحیم (۱۳۸۶)، *خواجگان چشت*، تهران: نشر علم.
- چشتی مودودی، سیداحمد شاه (۱۳۸۹)، *تاریخ چشت و مشایخ چشتیه*، کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ مطبوعه آزادی.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۳)، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۸، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- رکن‌الدین، کاشانی، (۱۳۷۴) *شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیا*، مؤسسه اشاعه‌العلوم، حیدرآباد دکن.
- سجزی، امیرحسن علاء (۱۳۹۰)، *فوائد الفؤاد (ملفوظات خواجه نظام‌الدین الاولیاء)*، تهران: عرفان.
- سرور لاهوری، غلام سرور (۱۳۸۳)، *خزینة‌الاصفیاء*، ج ۱، تهران: منشور امید.
- فتحی مرنست، شمسعلی، محمدرضا عدلی (۱۳۹۹)، «طریقت عشق و مدارا در سلوک عرفانی تعالیم شیخ نظام‌الدین اولیا با کبیر»، *پژوهشنامه ادیان*، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۸۷.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۷۴)، *رساله قشیریة*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- میرخورد، سیدمحمد بن مبارک (۱۳۹۸)، *سیرالاولیاء (در احوال و ملفوظات مشایخ چشت)*، به کوشش محمدمدارشد قریشی، پاکستان: نشر لاهور.
- نصیری جوزقانی، عبدالرئوف و همکاران (۱۳۹۴)، «سیر تاریخی-فکری طریقت چشتیه از آغاز تا پایان اعتلای آن»، *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، سال ششم. صص ۱۰۷-۱۲۰.